

کتاب میراث

میراث از ارث یا از موروث

ارث: یعنی این که انسان، تنها به واسطه مرگ انسان دیگری که با او دارای رابطه نسبی یا سببی است، نسبت به چیزی حق پیدا می کند

موروث: عبارت است از این که چیزی که شخص در اثر مرگ انسان دیگری که با او رابطه نسبی یا سببی دارد مستحق ما گردد

موجبات و موانع ارث

۱۸۶۱ ق ۴۰

نسب

سبب

۱- موجبات ارث

الف) سبب: عبارت است از ارتباط ناشی از ولادت، به شرط آن که عرفاً نسبت صدق کند و به گونه ای باشد

۱- پدر - مادر و فرزندان هر قدر پایین روند

۲- اجداد و حیات - برادران و خواهران

اجداد و حیات هر قدر بالا روند - برادران و خواهران و فرزندان آنها هر قدر پایین روند

ابری

ابی

احی

برادران و خواهران

ابری

۳- عمه ها - عمدها - دایی ها، خاله ها هر قدر بالا روند

ام - مادری

و فرزندان آنها هر قدر که پایین روند

سبب Δ مقال ناشی از زوجیت یا ولادت

۱- زوجیت: از هر دو طرف به شرط دائمی بودن نکاح ۱۸۶۱ ق ۴۰ شرط ارث در نکاح

منقطع اختلاف است

۲- ولای عشق رابطه در میان عبد آزاد کرده و مولای سابق که با شرطی صورت عبد به مولی

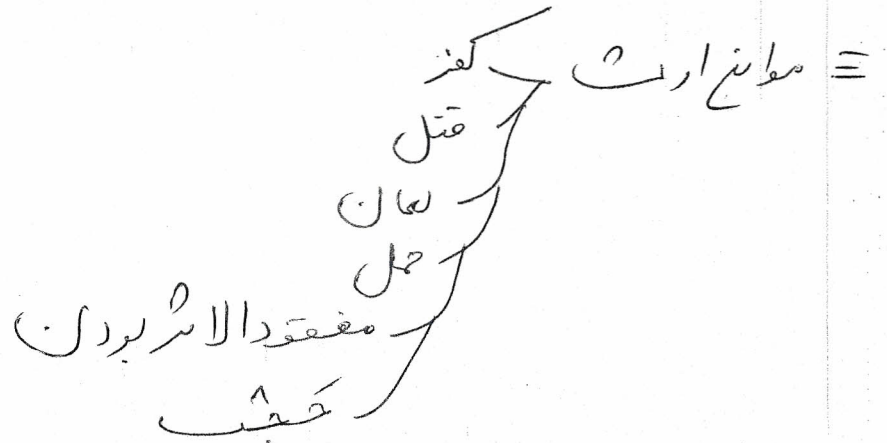
میرسد بر او برده وارث نسبی نباشد

۷۔ ولاد صنان جبریرہ: در صورت تبدل وارث نبی و آزاد کتہ (

یعنی ~~یک~~ رابطہ اربین دو تکر کہ یک از آنها ضامن پرداخت تاوان جنایت دیگری
مانند دود در برابر عت سراطی وارث او محسوب مائسود
جبریرہ در لکت بہ صفاک جنایت و کتہ است

۸۔ ولای امامت رابطہ اربین امام مدہین و ہر وندان کہ عت سراطی تہ کہ آنرا
بہ امام مائسود

توضیح: زوجیت پانجم وراث (طبقات قابل جمع است)
ولاد عت با نسب جمع مائسود و مقدم با صنان جبریرہ است
ولاد عت سے ولاد جبریرہ سے ولاد امامت



۱۔ کفر با وجود سحفی مسلمان تمام اقام کفر مانع ارث است

اقام کفر

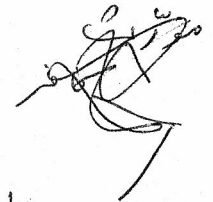
۱۔ حریت ۲۔ ذمی ۳۔ خارجی کسی کہ بر امام معصوم خریم کرده است

۴۔ ناصب کسی کہ ظاہراً افعال صلائی مائسود ول با امیرالمومنین و اهل بیت دستھی می کتہ
چند سزاه با لکن مائسود

۵۔ مخالف: کسی کہ بہ جهت غلو نزد کسی در مورد امامان معصوم و اعتقاد بہ الوہیت آتاکہ،

مکتوم بہ کفر است.

نکتہ کاغذ از مسلمان ارث نہ مائسود.



وارث : ارب برنده

مورث : کسی که از حذر ارب بر جای مانده دارد

ترکه میراث : آنچه که از صفت باقی مانده خواه مال یا حق قابل انتقال مانده
حق خیار - حق عفو

ارکان ارب

مورث - وارث و ترکه

پیش از تقسیم ترکه بین وارث ۱- هزینه تلفین تجویز صفت

۲- بهر هبیا

۳- وصایا در ملک مالک

۴- آنچه به سیرت ترکه وارث (خانم - مرکب، کسیر)

کافر از صلوات ارب ندارد

صلوات از کافر ارب صادر وجود دارد صلوات مانع ارب بردن کافر اوست پس اوست
خدا نخواست کفار به مورث نزدیک با کنند و صلوات دورتر

صلوات ورثه صلوات ندارد، میراث از ۱- معتق
۲- فغان جبریه
۳- کافر ارب ندارد
۴- امام

صلوات کافر در بین ورثه، ورثه صلوات نیاند به ورثه کافر صادر است پس اوست

۱- مورث صلوات صح و ورثه صلوات نداشتند با ۱- معتق
۲- فغان جبریه ۳- امام

لاقتل خطا صحف فقط مانع از ارتکاب است

در کتب عمده ملحق به خطا صحف

ملحق به قتل عمد که مشهور به این عقیده اند زیرا این قاتل عاقل است

قاتل صغیر و مجنون هم منع شده از ارتکاب ما با کینه اما اینک عفا کار کنند یا عاقد اصداق است

ما سدر قتل و سب در قتل فرقی نکند و از مواع ارتکاب محسوب ما سدر در مقتول

به حدیث و نه آنکه سب و کین صادر شد زیرا اول الارحام عالم است

حدیث و نه آنکه مادر از دین و او تکریم است ^{ما بعد} _{نما بعد}

زن دستور از دین بکشد نیز ارتکاب ما بعد است اما از عصاص بکشد نیز ارتکاب ما بعد است

لعل : مصدر باب مفاعله از ماده لعل به معنای نفوذ و طرد از خانه است

در اصطلاح شرعی، نوعی مباحثه است برای دفع حد یا نفی ولاد (فرزند)

آنکه کسی مسلمان را مشرک به صفت کند ولی شهادت کرده باشد یا مشرک به صفت گفته است و مشرک ضربه شلاق، عه عنوان حد موقوف زوجه ما سدر

آزردن هر خود را مشرک به صفت گفته یا کردی را که از هوسش متولد شود زن خود نداند

دل زن ادعای کسوف را تکذیب و انکار نماید باید تترها که مشرک ببردند در حدیث او

لعل گفته : استاده که مرد چهار بار خدا را گواه ماکرم بنشیند با آن در گفته عوذ در گفته که ضامن لعل است

کیفیت لعل : استاده که زن چهار بار مرد را عوذ در گفته است اگر او در ادعای خود راستگو باشد قسم خدا بر من ۴ است

آثار لعلی: لعلی بطور معتبر و حاکم شرع آن را تا شریعت

۱- به نام خوردن عقد نکاح و جدایی بین زن و شوهر (بدون طلاق)

۲- حرمت ابری: یعنی آن زن در مرد هیچ گاه به یکدیگر عدالت نماندند (حتی با عقد مجدد)

این اثر در هر دو لعلی چه در قذف و چه در نفی و ولد وجود دارد

۳- در لعلان، برای قذف عد قذف از مرد و حد زنا از زن ساقط می‌گردد

اما اگر مرد به دنبال قذف، لعلان کرد، ولی زن از لعلان خودداری نمود، مرد از مرد قذف نجات می‌یابد و به زن حد زنا زده می‌شود زیرا لعلان مرد به صورت چهارگانه عاقل است

۴- در لعلان بر اثر نفی و ولد سب بین آن مجرم و مرد و حضرت زنان او قطع می‌شود و از

حد نیز اریگ نماندند ولی سب میان مجرم و مادرش بر حضرت زنان او قطع نمی‌شود و از هرگز اریگ نماندند

حبوه سے جامہ - خانہ - مرکب - کسیر

وراثت بیفرض سے وراثت بیفرض کا ہی ہستند کہ یہاں آبادہ کتاب آمدہ اس و اول کہ
اینا دادہ ماسکود بہ یہاں افراد بہ قرابت

وراثت بیفرض (فرض ہیں)

۱- مادر: سهم مادر از ترکہ نسبت بہ این دارد کہ متوفی فرزند داشتہ باشد یا نہ، اگر متوفی دارای

فرزند باشد در این صورت مادر متوفی $\frac{1}{2}$ از ترکہ خواہد شد. و در صورتی کہ متوفی فرزند

نداشتہ باشد در این صورت مادر متوفی $\frac{1}{2}$ از ترکہ را مالک ماسکود

۲- زوج: نسبت بہ زوج و زوجہ نسبت بہ این دارد کہ متوفی دارای فرزند باشد

زوج $\frac{1}{2}$ فرزند داشتہ باشد $\frac{1}{4}$ زوج $\frac{1}{8}$ فرزند داشتہ باشد $\frac{1}{8}$

فرزند داشتہ باشد $\frac{1}{4}$ زوج $\frac{1}{8}$ فرزند داشتہ باشد $\frac{1}{8}$

۳- خوی و ندان ای در طبقہ دوم و سوم نیز فرض بر ہستند

وراثت ی کہ گاہ بیفرض و گاہ بہ قرابت ارث طبرینہ

۱- پیر

۲- دختر و دختر

۳- خواہر و خواہر ابرہنی دای

۱- پیر: فرض بر و قرابت بہ بزرگترین پیر نسبت بہ این دارد کہ متوفی دارای فرزند باشد

اگر متوفی دارای فرزند باشد سے پیر فرض بر است $\frac{1}{2}$ از ترکہ را مالک

اگر متوفی فرزند نداشتہ باشد سے پیر ارث فرض بہ راہ شود و تکلیف پیر پیر از آن
حق ماسکود

متوفى

باوجود خواهر و برادر سهم مادر متوفى از $\frac{1}{4}$ به $\frac{1}{2}$ تقلیل می یابد

۱- پدر زنده باشد $\frac{1}{2}$ تا سهم که به پدر نمی رسد به مادر دهند

۲- تعداد آنرا دو برابر یا بیشتر - یا چهار خواهر - یک برادر و خواهر باشد

۳- آنرا خواهر و برادر ابونبی یا پدری باشند یا بعضی ابونبی و بعضی پدری باشند

۴- مانع از آن باشد قتل - کفر - لسان از آنرا منتفی باشد و خواهر و برادر معقود الاثر نیز تا زمانی که مرد او شرعاً ثابت زوجه مانع ماست

۵- زنده به نیا آمده باشند نه آنکه در شکم باشند

۶- هنگام مرد شوهرت زنده و کنیا $\frac{1}{4}$ - ربع - $\frac{1}{4}$ - کن - دو نیک - نیک - سدس $\frac{1}{6}$

سنگ و صاحبان آن ۱۹۵ نصف - ربع - کن - دو نیک - نیک - سدس ۱۸۹۹ ق.م

$\frac{1}{4}$ = اگر دفتر تک وارث متوفى باشد $\frac{1}{4}$ دفتر $\frac{1}{4}$

$\frac{1}{4}$ = اگر برادر زوجه فرزندی باشد $\frac{1}{4}$ نساء ۱۰ زوج $\frac{1}{4}$

$\frac{1}{4}$ = اگر متوفى فرزندی نداشته باشد و تنها یک خواهر داشته باشد نساء ۱۲۶ $\frac{1}{4}$ ظاهر $\frac{1}{4}$

$\frac{1}{4}$ ربع ۹۰۰ ق.م

$\frac{1}{4}$ اگر زوجه فرزندی داشته باشد $\frac{1}{4}$ زوج $\frac{1}{4}$

$\frac{1}{4}$ اگر زوجه فرزندی نداشته باشد $\frac{1}{4}$ زوج $\frac{1}{4}$

$\frac{1}{2}$ کن ۹۰۱ ق.م

$\frac{1}{2}$ زوجه که زوج دارا فرزندی باشد $\frac{1}{2}$ زوج $\frac{1}{2}$

$\frac{2}{5}$ دولت ۹۰۲ ق. ۲۰

۱- آثر دفتران متوفی بی بی از دو تقریباً $\frac{2}{5}$ معتن به دفتران

۲- آثر ضوالبران آثر متوفی دارال دو خواهر با $\frac{2}{5}$ معتن به دو خواهر

$\frac{1}{5}$ ۹۰۴ ق. ۲۰

۱- آثر مادر متوفی آثر متوفی دارال فرزند نباشد $\frac{1}{5}$ معتن به $\frac{1}{5}$ در $\frac{1}{5}$

۲- آثر فرزندان مادر متوفی بی بی از یک تقریباً $\frac{1}{5}$ در $\frac{1}{5}$ معتن به $\frac{1}{5}$ در $\frac{1}{5}$

خواهر و برادرهای امی متوفی کلاله امی

$\frac{1}{7}$ سدس ۹۰۴ ق. ۲۰

برال هر یک از پدر و مادر متوفی $\frac{1}{7}$ در $\frac{1}{7}$

آثر متوفی برادران دانسته باشد $\frac{1}{7}$ معتن به $\frac{1}{7}$ معتن به $\frac{1}{7}$ است

آثر متوفی دارال برادر یا خواهر مادری $\frac{1}{7}$ معتن به $\frac{1}{7}$ معتن به $\frac{1}{7}$ معتن به $\frac{1}{7}$ است

عول و تقسیم

عول در لغت به معنی زیاد شدن و سفت گردیدن کار است.

در اصطلاح به نیوه آل لغت ما گردیده عفتای اهل تسنن در موردی خاص به کار می‌نهند. این مورد خاص زمانی است که مجموع سهام ورثه از مجموع عمره که بیشتر باشد

مثال: ورثه پدر - مادر - دو دختر - شوهر

$$\frac{1}{7} + \frac{1}{7} + \frac{2}{5} + \frac{1}{4}$$

تعداد سهام → ۵

$$\frac{2}{7} = \frac{1}{5} + \frac{2}{5} + \frac{1}{4} = \frac{4+1+3}{12} = \frac{8}{12} = \frac{2}{3}$$

تعداد عمره → ۴

اهل تسنن می‌گویند که کمبود به شاربین وراثت توزیع شود.

مثلاً: ما گوئیم که این کسری به دختر یا دختر وارد ما شود ماده ۹۱۴ ق.م.

یعنی تمام زوج - پدر و مادر داده می‌شود الباقی سهم دختر است.

نکته: این نقصان تنها زمانی رخ می‌دهد که زوج یا زوجیه در بین وراثت باشد در غیر این صورت مجموع سهام از مجموع عمره کمتر است پس در این مورد

~~نکته دوم: نقصان فقط در طبقه اول دیده می‌شود در طبقه بعد دیده نمی‌شود~~
ماده ۹۲۷ ق.م. کتبی -

در طبقه دوم: به کتبی - ابی - ابوتی - اجود و بر اجداد ابی وارد ما شود

مثال: یک برادر ابی - زوجیه و دو خواهر ابوتی باشد

$$\frac{1}{2} + \frac{1}{4} + \frac{2}{5} = \frac{2+3+8}{12} = \frac{13}{12}$$

برادر ابی زوجیه دو خواهر ابوتی

راه حل ابتدا از زوجیه $\frac{1}{4}$ و سپس برادر ابی $\frac{1}{2}$ و صایقی که $\frac{7}{12}$ است را به شاربین خواهران تقسیم می‌کنند

مثال وراثت

زوج یا زوجیه به همراه خاله ها و عمه کی میت باشد

$$\frac{1}{2} + \frac{1}{4} + \frac{2}{4} = \frac{3+2+4}{4} = \frac{9}{4} = \frac{3}{1}$$

راه حل ابتدا $\frac{1}{2}$ ← (۱) زوج

(۲) ← $\frac{1}{4}$ خاله ها

(۳) ← مابقی برای عمه

تعصیب

مصدر باب تفصیل از رسیه ی عصب به معنی محکم کردن ما باشد

و آراء عصبیه به حدیث سوادندان مذکور پدری از همین رسیه است

علت نام گذارن عصبه اینکه در زندگی قبیله آن کتبی است این افراد در اطراف حق بوده و از او حاکم می کردند

در اصطلاح : در اصطلاح عصبیه به شیوه ال اطلاق می شود که عصبیه ای

اهل تسنن در مورد خاص اشاره می کردند و آن زمان است که مضمون

سهم و ارثان از مجموع عمر کمتر است و در نتیجه سهم از خارج همزاد

سهم و ارثان که سهم ایشان از عمر کمتر است (مباحثان فرضی) مقدار از عمر که اضافه بیاید

مثال : وراثت ← پدر - مادر - یک دختر باشد

$$\frac{1}{2} + \frac{1}{2} + \frac{1}{2} = \frac{1+1+1}{2} = \frac{3}{2}$$

اهل تسنن باقر طائفه ترک را بدون رعایت طبعه و درجه، متعلق به حضرت است
 ذکر پوری است (عقیده) مادامه در مثال بالا امانت را ~~بنا بر~~ ~~بنا بر~~
 را آن حضرت از صلبه اول است نیز عمر دانسته باشد به محمد صلوات
 این روند عقیب نام دارد

سنگه ۹۰۵ و ۹۱۴ این امانت باید به نسبت سهام صاحبان
 فرض تقسیم شود البته زوج و زوج را در اصل نه استرد - همچنین آنرا صاحب
 دانسته باشد

نکته: صالیه عقیب ز طایفه رخ مادر که همه وارثان فرین بر بالند
 ۹۱۴ ق ۰۴۰

آن صاحب قرابتی در بین وراثت باشد باقی طائفه ترک متعلق به او است

آرد - صالیه مربوط به عقیب را مابقی رد هم گویند در سنجیه همراه
 پس از خارج کردن سهم صاحبان فرض چیزی از ترک امانت باوند
 در اصطلاح حقوقی، این مقدار امانت نیز به نسبت سهام به وراثت رد مالک شود
 به تناسب نوع خویشاوندی میان وراثت و وراثت رد به وراثت است
 رد به نسبت یا قرابت: لفظاً لکن وارثان از خود و نه از امانت
 ترک به نسبت یا قرابت به وراثت رد مالک شود
 رد به نسبت یا قرابت: لفظاً لکن وارثان از خود و نه از امانت

در صورتی که ترک وراثت متوفی زوج وی باشد
 نصف ترک را به فرین و نصف دیگر را به وراثت مادر
 و این روند را رد به نسبت مالک گویند
 ۹۴۹ - ۹۰۵
 ۹۴۹ = اجزاء فرض

اجتماع فروض

یعنی اجتماع مضمین از فروض با بعضی دیگر در موارد امکان دارد و در مواردی امکان ندارد

اجتماع دو فرض ۲۱ صورت دارد
۸ صورت اجتماع غیر ممکن
۸ صورت اجتماع غیر ممکن فروض

۱- اجتماع $\frac{1}{5}$ با $\frac{2}{3}$ با $\frac{1}{4}$
یک دختر تنها به شرط نبود درات مذکر
یک خواهر ابرو بینی به شرط نبود درات مذکر
یک خواهر پیرری در صورت نبودن خواهر ابرو بینی و درات مذکر

$\frac{2}{3}$
دو دختر یا بیشتر
دو خواهر ابرو بینی یا بیشتر
دو خواهر پیرری یا بیشتر در صورت نبودن خواهر ابرو بینی

مثال جمع سه خواهر با دو خواهر پیرری و یا بیشتر چون بعضی به دو خواهر وارد می شود از این رو به هیچ وجه اجتماع محقق نمی گردد

۲- اجتماع $\frac{1}{3}$ با $\frac{1}{4}$ با $\frac{1}{5}$
سه خواهر در صورت وجود فرزند برای زن
زوجه دوم اگر چه مسترد باشد در صورت نبودن فرزند برای شوهر

که با هم جمع نمی شود

۳- اجتماع $\frac{1}{6}$ با $\frac{1}{8}$
شوهر در صورت نبودن فرزند برای زوجه
زوجه دوم در صورت نبودن فرزند برای شوهر
دو زوجه در صورتی که برای مستوفی (مرد) فرزند باشد

که با هم جمع نمی شود

صاحبان فرزند : وراثتی که تنها از طریق فرزند ارث می‌آید که مراد از آن، کسی است که فقط خداوند در قرآن کریم برای وی تعیین کرده است و صاحبان فرزند

- ۱- مادر $\frac{1}{2}$
 - ۲- خواهر و عهده برادر مادری (کلاله ای) $\frac{1}{2}$ تنها $\frac{1}{2}$ مستدر $\frac{1}{2}$
 - ۳- زن $\frac{1}{2}$ بنده فرزندی $\frac{1}{2}$
 - ۴- شوهر $\frac{1}{2}$ برده فرزندی $\frac{1}{2}$
 - ۵- برده فرزندی $\frac{1}{2}$
- اضافه به آنرا بر آنها گردد

کسانی که از قرابت ارث می‌آورند : کسانی که تنها از طریق قرابت ارث می‌آورند و او کسی است که به دلیل عمومیت آیه اول الارحام داخل در آن می‌شوند
مانند خاله - دای - عم - عمه

- کسانی که به سبب فرزند و هم از طریق قرابت ارث می‌آورند ۸۹۷ ق ۴۰۴
- ۱- پدر : با وجود فرزندی به سبب فرزند ارث می‌آورد و هم وجود فرزندی با وجود والدین به سبب فرزند ارث
 - ۲- دختر (اگر چه همسر داشته باشد) : با وجود فرزندی که از طریق قرابت و با وجود والدین به سبب فرزند ارث
 - ۳- خواهر پیری (اگر چه مستدر باشد) : با وجود برادر به سبب قرابت و با وجود کلاله ای به سبب فرزند ارث می‌آورند

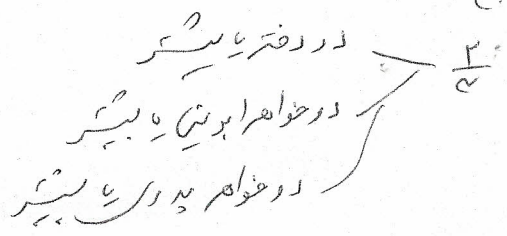
و یا اینکه به سبب فرزند و هم به سبب قرابت ارث می‌آورند و او صاحب فرزند است
در صورتی که مازاد بر تمام به وی داده شود

ص ۵

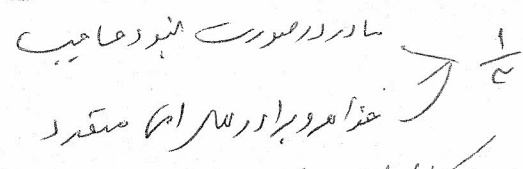
فقره ۷

۷۲

۱۱ - $\frac{2}{3}$ یا $\frac{1}{3}$

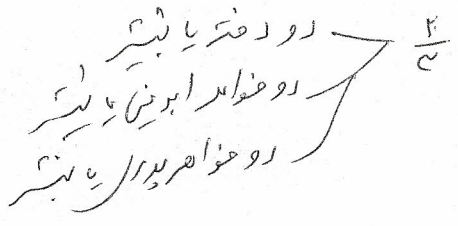


۲ خواهر پیرز - ۵ خواهر ابروین
 $\frac{2}{3}$ $\frac{1}{3}$

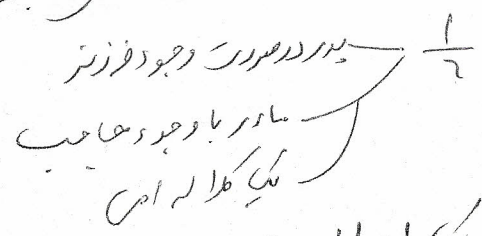


مثال: مادری که همسرش با دو یا چند خواهر پیرز

۱۲ - $\frac{2}{3}$ یا $\frac{1}{2}$

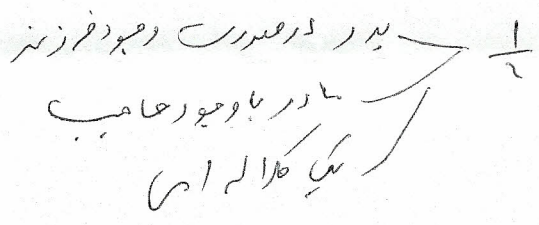


پیرز + دو دفتر
 $\frac{1}{3}$ $\frac{2}{3}$



مثال: دو دفتر با یکی از والدین

۱۳ - $\frac{1}{2}$ یا $\frac{1}{2}$



مثال - والدین با وجود فرزندان

دو دفتر پیرز - مادر
 $\frac{2}{3}$ $\frac{1}{3}$ $\frac{1}{3}$

مقدمه

۷۲

سود

سودگر با پدر فرزند بر اهل مستوفی $\frac{1}{4}$
زوج در صورت نبود فرزند بر اهل مستوفی

۶- $\frac{1}{4}$ با $\frac{2}{4}$

$\frac{2}{4}$ - دو دختر یا بیشتر

دو خواهر ابرین و بیشتر

دو خواهر پدر یا بیشتر در صورت نبود خواهر ابرین

دو دختر $\frac{2}{4}$
سودگر $\frac{1}{4}$

مثال

سودگر با دو دختر $\frac{2}{4}$
زوج پدر $\frac{1}{4}$
دو خواهر پدری $\frac{2}{4}$

$\frac{1}{8}$ - سودگر با پدر فرزند بر اهل مستوفی

مثال: زوج با دو دختر است

زوج در صورت نبود فرزند بر اهل مستوفی $\frac{1}{4}$

زوج در صورت نبود فرزند بر اهل مستوفی $\frac{1}{4}$

۸- $\frac{1}{4}$ با $\frac{1}{4}$

$\frac{1}{4}$ - مادر در صورت نبود حاجب

کلامه امی مستفرد

مثال: زوج با مادر

مادر $\frac{1}{4}$
زوج $\frac{1}{4}$

$\frac{1}{4}$ - مادر در صورت وجود حاجب
پدر در صورت بود فرزند مستوفی $\frac{1}{4}$
خواهر اما + زوج $\frac{1}{4}$

۹- $\frac{1}{2}$ با $\frac{1}{2}$

کلامه امی تنها

مثال زوج با امی کلامه امی

سودگر با پدر و مادر در صورت نبود فرزند

پدر - مادر - زوج

$\frac{1}{8}$ زوج هر مستفرد (با وجود فرزند بر اهل مستوفی)

۱۰- $\frac{1}{8}$ با $\frac{1}{8}$

$\frac{1}{8}$ $\frac{1}{8}$

مثال زوج با امی پدر با امی از والدین

اصطیاح فروعی ۱۴ صورت اخلاص بالکود

صفت

ششم در صورت نبود فرزند بر استوفی

۱- اقباح $\frac{1}{4}$ با $\frac{1}{4}$ مثال شوهر و خواهر پیری

یک خواهر پیری
یک خواهر ابروی
یک دختر تنها

۲- اقباح $\frac{1}{4}$ با $\frac{1}{8}$ مثال زوج زوجه با خواهر پیری

$\frac{1}{8}$ زوج دوم در صورت نبود فرزند مستوفی

زوج دوم در صورت دانستن فرزند مستوفی

۳- اقباح $\frac{1}{4}$ با $\frac{1}{8}$ زوج دوم در صورت برکنار شدن بر استوفی

مثال زوج با یک دختر

۴- اقباح $\frac{1}{4}$ با $\frac{1}{8}$ مادر در صورت حاجت دانستن

کلام اما در صورت بقدر

ششم در صورت نبود فرزند
مادر در صورت حاجت دانستن

مثال مادر با مادر

کلام اما در صورت بقدر

۵- خواهر پیری $\frac{1}{4}$ + کلام مستفرد مادری

۵- اقباح $\frac{1}{4}$ با $\frac{1}{2}$ مادر با برده حاجت

مادر در صورت برکنار شدن فرزند
کلام مادر تنها

مثال شوهر با کلام تنها مادری

یک دختر با مادر

یک خواهر پیری با یک کلام مادری

مسئله

۴- $\frac{1}{8}$ با $\frac{1}{8}$ $\frac{1}{8}$ برال زوجه هر چند سق در صورت وجود فرزند برال مستوفی
 قابل جمع آنها باشد

۵- $\frac{1}{8}$ با $\frac{1}{8}$ $\frac{1}{8}$ برال زوجه در صورت وجود فرزند برال مستوفی
 مادر در صورتی که حاجب (یعنی فرزند یا برادران مستوفی) وجود نداشته باشد
 دو برادر یا دو خواهر یا یکی برادر و یکی خواهر مادر یا بیتر (یعنی سق کلاله)
 مادر که از یکی تقه بیشتر باشد
 که قابل جمع نیست چون $\frac{1}{8}$ یعنی اینکه فرزند برال مستوفی است که در برادری کلاله ندارد

۶- $\frac{2}{8}$ با $\frac{2}{8}$ $\frac{2}{8}$ دو دختر یا بیتر
 دو خواهر ابروی یا بیتر
 دو خواهر پدر یا بیتر
 چنانچه صاحبان این تمام در یکی مرتبه جمع نمی شوند با پدر دختر به علت دوم آنها است

۷- $\frac{1}{8}$ با $\frac{1}{8}$ $\frac{1}{8}$ مادر در صورتی که حاجب نداشته باشد (فرزند مستوفی و برادران مستوفی)
 دو برادر یا دو خواهر یا یکی برادر و یکی خواهر کلاله مثل مادر که از یکی
 تقه بیشتر باشد

تالیف جمع ندارد چون مادر در صورت حاجب (فرزند و خواهر و برادر برال مستوفی ابروی) صاحب است
 بدین اشکال که کدام یک مستوفی است در صورتی که دختر و بیتر دو خواهر هم به صورت کامل است
 نه دو تا $\frac{1}{8}$

۸- $\frac{1}{8}$ با $\frac{1}{8}$ $\frac{1}{8}$ مادر در صورت حاجب
 خواهر و برادر هر اما در صورت تقه دو

$\frac{1}{8}$ پدر در صورت وجود فرزند
 مادر در صورت بودن فرزند و خواهر و برادر مستوفی (دانش حاجب)
 یکی کلاله مادر (یکی خواهر و برادر مادری)

فرای $\frac{1}{8}$ هم مادر در صورت وجود حاجب است و $\frac{1}{8}$ هم مادر در صورت وجود حاجب پس جمع آنها ندارد